



The image of the "other" culture in the travelogue "Journey to Europe on the rocks of Sicily" by Shafiq Jabri

Seyede Mitra Akbari¹ and Seyede Mohammad Reza Khezri²

- 1 Corresponding author: PhD student of Arabic language and literature in Shahid Beheshti University, Tehran, Iran. Email: mitra_akbari87@yahoo.com
- 2 Assistant Professor of Arabic Language and Literature in Shahid Beheshti University, Tehran, Iran. Email: M-khezri@sbu.ac.ir

Article Info	ABSTRACT
Article type: Research Article	Imagery, as one of the important branches of comparative literature, plays a significant role in understanding nations and ethnicities from each other and contributes to a better understanding of cultures through examining the image of the (other) in texts. The (other) hidden in the text gradually becomes clear through the analysis of the underlying layers of the images the author describes. Culture is of great importance as one of the fundamental concepts in understanding other nations, especially in cultural and travel travelogues that directly witness the customs, morals, and habits of the people. In the present study, using a descriptive-analytical method, the most important cultural concepts for understanding the West in the travelogue "Journey to Europe on the rocks of Sicily" have been examined. This travelogue is culturally significant to the author, and includes examples from the travelogue that analyze those concepts. In addition, the author's type of communication and perspective in encountering these cultures is examined to determine how his experiences and observations from traveling to the West led to the formation of a specific attitude towards other cultures. Shafiq Jabri, in his encounter with Western and other cultures, encounters profound cultural differences, and his most frequent reaction is a feeling of fear, loneliness, and surprise. Although at times he also feels a sense of joy and desire for Western culture, this feeling is remarkably unstable and quickly turns into a kind of alienation and loneliness. He believes that his Eastern self will never be able to connect and bond with the other culture of the West. For this reason, he considers the West to be full of mystery and mystery, and as a result, this view clearly expresses his deep attachment to his Eastern identity. His conflicting feelings about Western culture not only reflect his challenges in understanding and accepting this culture, but also emphasize the deep-rooted values and beliefs that lie within his Eastern culture and give him a sense of identity and comfort.
Article history: Received 2024 Apr 3 Received in revised form 2024 May 18 Accepted 2024 May 30 Published online 2025 Jun 10	
Keywords: Imagologie, Western Other, Culture, Travelogue, Shafiq Jabri.	
Cite this article: Akbari, S.M., and Khezri, M.R., (2025), The image of the "other" culture in the travelogue "Journey to Europe on the rocks of Sicily" by Shafiq Jabri. <i>Arabic Prose Studies</i> , 2 (2). 48-64. DOI: https://doi.org/10.22091/npa.2024.10486.1017	
	© The Author(s) DOI: https://doi.org/10.22091/npa.2024.10486.1017
	Publisher: University of Qom



صورة ثقافة "الآخر" في "رحلة إلى أوروبا على صُحُور صِقْلِيَّة" لشفيق جبري

السيدة ميترا أكبري^١ ID و السيد محمد رضا خضري^٢ ID

١ الكاتبة المسؤولة: طالبة الدكتوراة في قسم اللغة العربية وآدابها بجامعة الشهيد بهشتي، طهران، إيران. البريد الإلكتروني: mitra_akbari87@yahoo.com

٢ أستاذ مساعد في قسم اللغة العربية وآدابها بجامعة الشهيد بهشتي، طهران، إيران. البريد الإلكتروني: M-khezri@sbu.ac.ir

ملخص	معلومات المقالة
تساعد علم الصورة، باعتبارها فرعاً مهماً من الأدب المقارن، على تعرف الأمم والشعوب بعضها البعض من خلال دراسة صورة الآخر. يتم الكشف عن الآخر المخفي في النص من تحليل الدلالات الخفية للصور التي وصفها المؤلف. تعتبر الثقافة إحدى المفاهيم المهمة للتعرف على الدول والأمم والشعوب الأخرى في النصوص وخاصة في الرحلات الثقافية والسياحية، والتي تشهد عن كُثْب أخلاق الناس وتقاليدهم وعاداتهم ودياناتهم. في هذه الدراسة، تم دراسة أهم المفاهيم الثقافية لمعرفة الغرب في "رحلة إلى أوروبا على صُحُور صِقْلِيَّة" لشفيق جبري والتي كانت مهمة أيضاً في رأي المؤلف، من خلال تقديم أمثلة من نص الكتاب. ومن ثم يتم التعبير عن نوع التواصل والمنظور الذي عبر عنه المؤلف في مواجهة هذا النوع من الثقافة في رحلته إلى الغرب. يواجه شفيق جبري بذاته الشرقية، الآخر الغربي بالاختلافات الثقافية، والتي يكون رد فعله الأكبر عليها هو الشعور بالخوف والوحدة والدهشة؛ وبالطبع، يشعر أحياناً بالسعادة أيضاً. وقد يميل إلى الثقافة الغربية؛ ولكن هذا الشعور غير مستقر لديه، و مرة أخرى يشعر بالحنين إلى الوطن والوحدة. المؤلف في هذه الرحلة يعتقد أن ذاته الشرقية لن تتمكن أبداً من الانسجام مع ثقافة الغربي الآخر. هو يعتبر الغرب سراً من الأسرار ولغزاً من الألغاز. هذا النوع من النظرة فيه يظهر مدى انتمائه لذاته الشرقية.	نوع المادة: مقالة محكمة تاريخ الاستلام: ٣ أبريل ٢٠٢٤ تاريخ المراجعة: ١٨ مايو ٢٠٢٤ تاريخ القبول: ٣٠ مايو ٢٠٢٤ تاريخ النشر: ١٠ يونيو ٢٠٢٥ الكلمات الرئيسية: علم الصورة، الآخر الغربي، الثقافة، أدب الرحلة، شفيق جبري.

الاقباس: أكبري، السيدة ميترا وخضري، السيد محمد رضا. (١٤٠٤). «صورة ثقافة "الآخر" في "رحلة إلى أوروبا على صُحُور صِقْلِيَّة" لشفيق جبري». *بحوث في الشعر العربي*.

٢ (٢). صص: ٦٤-٤٨. <https://doi.org/10.22091/npa.2024.10486.1017>



© المؤلفون

الناشر: جامعة قم



تصویر فرهنگ "دیگری" در سفرنامه "اروپاگردی بر روی صخره‌های سیسیل" شفیق جبری

سیده میترا اکبری^۱ و سید محمد رضا خضری^۲

۱ دانشجوی دکتری زبان و ادبیات عربی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران. رایانامه: mitra_akbari87@yahoo.com

۲ استادیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران. رایانامه: M-khezri@sbu.ac.ir

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: مقاله پژوهشی	تصویرشناسی به عنوان یکی از شاخه‌های مهم ادبیات تطبیقی، نقش بسزایی در شناخت ملل و اقوام از یکدیگر ایفا می‌کند و از طریق بررسی تصویر دیگری در متون، به درک بهتر از فرهنگ‌ها کمک می‌کند. دیگری پنهان در متن، از طریق تحلیل لایه‌های زیرین تصاویری که نویسنده توصیف می‌کند، به تدریج روشن می‌شود. فرهنگ به عنوان یکی از مفاهیم اساسی در شناخت ملل دیگر، به ویژه در سفرنامه‌های فرهنگی و گردشگری که به طور مستقیم شاهد آداب و رسوم، اخلاقیات و عادات مردم هستند، اهمیت بسیاری دارد. در پژوهش حاضر، با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی، مهم‌ترین مفاهیم فرهنگی برای شناخت غرب در سفرنامه "اروپاگردی بر روی صخره‌های سیسیل" مورد بررسی قرار گرفته است. این سفرنامه از نظر نویسنده به لحاظ فرهنگی حائز اهمیت بوده و شامل ارائه نمونه‌هایی از متن سفرنامه است که به تحلیل آن مفاهیم می‌پردازد. علاوه بر این، نوع ارتباط و دیدگاه نویسنده در مواجهه با این فرهنگ‌ها بررسی و بیان شده است تا نشان دهد چطور تجربیات و مشاهدات او از سفر به غرب منجر به شکل‌گیری نگرشی خاص نسبت به فرهنگ‌های دیگر گردیده است. شفیق جبری، در مواجهه با فرهنگ غرب و دیگری، با تفاوت‌های فرهنگی عمیقی روبه‌رو می‌شود که بیشترین واکنش او احساس ترس، تنهایی و تعجب است. هرچند در برخی مواقع احساس شغف و تمایل به فرهنگ غربی نیز به او دست می‌دهد، اما این احساس به طرز قابل توجهی ناپایدار است و به سرعت جای خود را به نوعی غربت و تنهایی می‌دهد. او معتقد است که هرگز من شرقی‌اش قادر به ارتباط و الفت با فرهنگ دیگر غرب نخواهد بود. به همین دلیل، غرب را سراسر راز و رمز می‌داند و این نوع نگاهی که در او شکل گرفته، به روشنی بیان‌گر تعلق خاطر عمیق او به هویت شرقی‌اش است. احساسات متناقض او در رابطه با فرهنگ غرب، نه تنها نشان‌دهنده چالش‌های او در درک و پذیرش این فرهنگ است، بلکه تأکیدی بر ارزش‌ها و باورهای ریشه‌داری است که در فرهنگ شرقی‌اش نهفته است و به او احساس هویت و آرامش می‌بخشد.
تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۴/۴	
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۷/۱۰	
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۸/۱۶	
تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۳/۲۰	
کلیدواژه‌ها:	
تصویرشناسی، دیگری غربی، فرهنگ، سفرنامه، شفیق جبری.	

استناد: اکبری، سیده میترا و خضری، سیدمحمد رضا. (۱۴۰۴). «تصویر فرهنگ "دیگری" در سفرنامه "اروپاگردی بر روی صخره‌های سیسیل" شفیق جبری».

نشر پژوهی عربی، ۲ (۲): ۶۴-۴۸. <https://doi.org/10.22091/npa.2024.10486.1017>



۱۰) مقدمه

تصویرشناسی (Imagologie) یکی از شاخه‌های مهم ادبیات تطبیقی است که به عنوان یک روش نقدی در حوزه روابط ادبی ملل و تعاملات میان ادبیات مختلف شناخته می‌شود. این حوزه به بررسی تفاوت‌ها و شباهت‌های بین ادبیات، زبان و فرهنگ ملل گوناگون می‌پردازد (هنری باجو، بی تا: ۱۸). بنابراین، همواره "دیگری" در ادبیات تطبیقی به عنوان موضوعی برای نقد و بررسی مطرح می‌شود و در این راستا، تصاویری که نویسندگان از فرهنگ‌ها و جوامع مختلف ارائه می‌دهند، به شناخت عمیق‌تری از این تعاملات فرهنگی کمک می‌کند.

توجه به تصویر و بررسی و تحلیل آن سابقه بسیار طولانی در ادبیات و دیگر عرصه‌ها دارد. اما تصویرشناسی در ادبیات تطبیقی که به بررسی "دیگری" در متن می‌پردازد با انتشار کتاب شرق‌شناسی^۱ ادوارد سعید در سال ۱۹۷۸م، اهمیت و جایگاه ویژه‌ای در تحلیل متون به خصوص سفرنامه‌ها پیدا کرد. تصویر او از شرق و شناساندن آن به غرب آن چنان دقیق بود که تمام تحقیقات و پژوهش‌های دانشگاهی غرب را از شرق زیر سوال برد و تصویر جدیدی از شرق ارائه داد که با تصویرسازی منفی شرق‌شناسان غربی کاملاً تفاوت داشت (الحربی، ۱۴۴۱ق: ۱۷-۱۵ - هال، ۱۳۸۶ش: ۷۱-۷۲). با نگارش این کتاب، شیوه‌ای جدید برای بررسی دیگری و فرهنگ آن در متن پیش‌روی پژوهشگران قرار گرفت.

تصویرشناسی به منزله روشی تحلیلی، متن را از منظر انعکاس تصویر دیگری و فرهنگ آن مورد بررسی قرار می‌دهد. در این راستا، جامعه دیگری و مجموعه‌ای از عناصر فرهنگی که تشکیل‌دهنده آن جامعه و مردمانش هستند، نقشی اساسی ایفا می‌کنند. تصویرشناسی دیگری در واقع نتیجه تعامل دو فرهنگ متفاوت است که در متن منعکس می‌شود و این تعامل می‌تواند تفاوت‌ها و شباهت‌های فرهنگی را به‌خوبی نمایان سازد. در این فرآیند، وجود "من" در مقابل "دیگری" اهمیت می‌یابد؛ به گونه‌ای که "من" با مشاهده و درک تفاوت‌های فرهنگی میان خود و "دیگری"، به بیان و توصیف این تفاوت‌ها می‌پردازد. این نوع تحلیل نه تنها به فهم بهتری از فرهنگ‌های مختلف کمک می‌کند، بلکه به گسترش آگاهی و برداشت‌های فردی از هویت فرهنگی و اجتماعی نیز منجر می‌شود و تصویری جامع‌تر از تعاملات فرهنگی میان ملل ارائه می‌دهد.

در تصویرشناسی متن، پژوهشگر باید یک لایه از متن را کنار بزند تا به کشف تفاوت‌ها و تضادهای موجود بین دو مفهوم "من" و "دیگری" بپردازد. این تفاوت‌ها او را به درک تفکیک بین دو موقعیت جغرافیایی، یعنی تقابل میان "این‌جا" و "آن‌جا" سوق می‌دهد. برای انعکاس دقیق این تفاوت‌ها در مکانی غیر از مکان خود، ضروری است که فرد در آن موقعیت حضور پیدا کرده و آن‌ها را درک کند. به همین دلیل، سفرنامه‌ها که روایتگر وقایع و تجارب در محیط‌های دیگر هستند، برای بررسی تصویرشناسانه در ادبیات تطبیقی از سایر متون متمایز می‌شوند.

۱۰-۱) اهمیت و ضرورت پژوهش

پژوهش در زمینه تصویر فرهنگ "دیگری" در سفرنامه "اروپاگردی بر روی صخره‌های سیسیل" شفیق جبری اهمیت زیادی دارد؛ زیرا این اثر نه تنها به بازنمایی تجربه‌های زیسته نویسنده از فرهنگ‌ها و فضاهای متفاوت می‌پردازد، بلکه فرصتی برای بررسی رابطه بین "من" و "دیگری" در بافت‌های فرهنگی و جغرافیایی مختلف فراهم می‌آورد. این سفرنامه به نمایندگی از خودگرایی و دیدگاه‌های فرهنگی، بازتاب‌دهنده تفاوت‌ها و تضادهای بین فرهنگ‌های مختلف است و

می‌تواند به درک عمیق‌تری از چگونگی شکل‌گیری هویت‌ها و تعاملات فرهنگی در دنیای معاصر کمک کند. بدین ترتیب، این پژوهش می‌تواند به ادبیات تطبیقی و مطالعات فرهنگی در تعمیق فهم مخاطبان نسبت به مفهوم "دیگری" و تأثیرات آن بر نگرش‌های اجتماعی و فرهنگی یاری رساند.

شفیق جبری، در سفرنامه "اروپاگردی بر روی صخره‌های سیسیل" بیان می‌کند؛ سفرنامه‌های من به خصوص همین سفرنامه با هدف بیان احساسات نوشته شده و ساختارشان ادبی محض است. این سفرنامه به وصف طبیعت، ساختار جامعه و بازی‌های رایج در جامعه و دیگر موارد شبیه به آن‌ها می‌پردازد (جبری، ۱۹۹۷: ۷). به همین علت این سفرنامه برای بررسی فرهنگ غرب و انعکاس آن در متن انتخاب شده است.

۱۰-۲) سوالات پژوهش

در تصویرشناسی فرهنگ دیگری در سفرنامه "اروپاگردی بر روی صخره‌های سیسیل" دست‌یابی به پاسخ سوالات زیر مدنظر پژوهشگر است:

۱- با توجه به گستردگی مفهوم فرهنگ، کدام یک از مفاهیم فرهنگی بیشتر مورد توجه شفیق جبری در انتقال تصویر "دیگری" بوده است؟

۲- عکس العمل و نوع ارتباط شفیق جبری، با مشاهده فرهنگ دیگری چگونه است؟

۱۰-۳) پیشینه پژوهش

همان‌طور که گفته شد، تصویرشناسی در ادبیات دارای پیشینه‌ای طولانی است و در متون مختلفی مورد بررسی قرار گرفته است. با این حال، در زمینه سفرنامه که به اعتقاد بسیاری از صاحب‌نظران منبعی مناسب برای تصویرشناسی در ادبیات تطبیقی به شمار می‌رود، نیز پژوهش‌های متعددی انجام شده است که از آن جمله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

الف: پایان‌نامه دکتر «صورة الآخر في أدب الرحلات الاندلسية» (سالم الهروط، بلال، ۲۰۰۸)؛ سفرنامه‌های اندلسی را از نظر محتوایی و لفظی مورد بررسی قرار می‌دهد و در آن، شرایط جغرافیایی و تاریخی و دینی این سرزمین مورد بررسی قرار می‌گیرد.

ب: مقاله «سلطان الأنا وصورة الآخر في رحلة ابن جبير» (شرایطه، ابراهیم، ۲۰۱۸)؛ بیشترین بخش مقاله به معرفی سفرنامه و جایگاه آن اختصاص یافته، و دیگری را بیشتر از نظر مکان و جغرافیا مورد بررسی قرار می‌دهد.

ج: مقاله «صورة الآخر الشرقي في أدب الرحلات لغادة السمان» (کتاب شهوة الأجنحة نموذجاً) (نظری‌منظم، هادی و دیگران: ۱۳۹۷ش). در این مقاله بانکوک و چین از نظر ویژگی‌های مهم مکانی و خصوصیات مردم و پدیده‌هایی مثل فقر و... که در جامعه است، مورد بررسی قرار می‌گیرد. آداب و رسوم نیز در این مقاله بررسی شده است.

د: مقاله «گفتمان و تصویر "دیگری" در سفرنامه ناصر خسرو» (محمودی، معصومه: ۱۳۹۳ش)؛ در این مقاله تحلیل گفتمان موضوع و محور اصلی بحث است که در سه سطح توصیف، تفسیر و تبیین صورت گرفته است. سطح تفسیر به بررسی تصویر دیگری در سفرنامه ناصر خسرو می‌پردازد.

ه: مقاله «نمایش دیگری: جایگاه غرب در سفرنامه‌های دوره ظهور مشروطیت» (میرزایی، حسین و پروین، امین: ۱۳۸۹). گفتمان و ارتباط آن با دیگری و میزان انعکاس غرب در سفرنامه‌های دوره مشروطیت هدف اصلی این مقاله است. با

بررسی‌های انجام شده می‌توان گفت در خصوص سفرنامه شفیق جبری و تحلیل و بررسی نوع نگاه او به غرب پژوهش و تحقیقی صورت نگرفته است.

(۱۱) تصویر "دیگری"

(۱-۱۱) تصویر "دیگری" در ارتباط با "من"

اصطلاح "دیگری" که امروزه از مهم‌ترین اصطلاحات و ابزار نقد فرهنگی در تصویرشناسی متن به شمار می‌آید؛ در حقیقت یک حالت روانی و درونی است که به بیان مطلب می‌پردازد. یعنی درون متن و در بیان مطالب، یک عنصری نقش دارد که دیگری مدام در درون آن در حال حرکت است. (الرباعي، ۲۰۰۷: ۴۹) و خواننده به هنگام خواندن متن، حضور آن را در جای جای متن احساس می‌کند.

نویسنده، در جایگاه من کاملاً با دیگری یکی می‌شود تا جایی که دانیل هنری پژو (Daniel-Henri Pageaux) در کتاب ادبیات عمومی و تطبیقی می‌گوید: دیگری در حقیقت تصویری از من است که نگاه می‌کند، صحبت می‌کند و می‌نویسد. به نوعی من در ظاهر از دیگری سخن می‌گوید تا خود را معرفی کند؛ و گاهی به نفی دیگری پردازد (هنری باجو، بی تا: ۹۲). بنابراین معنا یافتن "دیگری" و شناخت آن بدون "من" و یا برعکس امکان‌پذیر نیست. این دو مفهوم همیشه در ارتباط و البته در تقابل با هم بوده‌اند. و هرگز این دو مفهوم در متن، جدا از هم نیستند و پایانی هم ندارند (خضری، ۱۳۹۴: ۷).

ارتباط بین من و دیگری می‌تواند مثبت و یا منفی باشد. این ارتباط در سه سطح می‌تواند مورد بررسی قرار بگیرد: الف: جذب و تمایل (La manie): من در مواجهه با فرهنگ دیگری احساس غلبه و شکست می‌کند؛ و در مقابل او دچار احساس ضعف و کوچکی می‌شود. و آن را برتر از خود می‌بیند و جذب آن فرهنگ می‌شود. ب: ترس و وحشت (La phobie): من وقتی با دیگری روبه‌رو می‌شود؛ و فرهنگ او را درک می‌کند؛ و به مقایسه با فرهنگ خود می‌پردازد، فرهنگ خود را قوی‌تر و برتر می‌بیند و به خود افتخار می‌کند. به نوعی از فرهنگ دیگری دور شده و حس ترس در او شکل می‌گیرد.

ج: محبت و سازگاری (La philie): در مقابل این دو نوع ارتباط، یک ارتباط مثبت و سازنده وجود دارد که من تعاملی مثبت با فرهنگ دیگری برقرار می‌کند و آن فرهنگ بیگانه را مکمل فرهنگ خود می‌بیند. در این نوع ارتباط که سخت اما سازنده است، یک دیگری در متن نمود می‌یابد که در کنار من زندگی می‌کند و یا حتی در مقابلش قرار دارد. اما نه از او برتر است و نه پایین‌تر از او است، فقط متفاوت از او می‌باشد که من بی‌نیاز از آن نیست. این مجموعه روابط بین من و دیگری در متن یک سیستم نمادین در تحلیل متن است (هنری باجو، بی تا: ۱۰۹-۱۰۷-الدهای، ۲۰۱۳: ۷).

پژوهشگر از طریق رمزگشایی روابط بین من و دیگری، و بررسی نوع ارتباطی که من با دیگری در متن برقرار کرده می‌تواند به لایه‌های زیرین متن و نوع نگاه و هدف نویسنده از انعکاس فرهنگ دیگری در متن دست پیدا کند.

(۲-۱۱) تصویر "دیگری" در سفرنامه

سفر و کسب تجربه از سفر سابقه‌ای به مدت پیدایش انسان بر روی زمین دارد. انسان از زمانی که پا بر روی زمین گذاشته، در پی کشف ناشناخته‌ها از مکانی به مکان دیگر منتقل شده است. کتاب‌های تاریخ طبیعی و انسان‌شناسی اشاره می‌کنند

که انسان حتی بعد از این که کشاورزی و یک جا ماندن را آموخت باز تمایل به سفر و شناخت ناشناخته‌ها را داشت (قنديل، ۲۰۰۲: ۱۷). با گذر زمان و در پی سفرها، نگارش خاطرات سفر و سفرنامه‌نویسی پدید آمد.

سفرنامه‌ها با اهداف و اغراض گوناگونی نوشته می‌شوند و در این میان برخی سفرنامه‌ها هدف گردشی و فرهنگی دارند. در این نوع از سفرنامه‌ها، نویسنده نگاه و تجربه خود از مکانی جدید را با فرهنگی متفاوت و آداب و رسوم خاص منعکس می‌کند. انسان‌ها، روش زندگی و خلق و خوی آن‌ها، طبیعت و دست‌سازه‌های او بیشتر موضوع این نوع سفرنامه‌ها به شمار می‌آید (قنديل، ۲۰۰۲: ۲۰). سفرنامه می‌تواند دربردارنده مفهوم دینی، علمی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و... باشد. براین اساس سفرنامه‌ها به دو دسته ادبی و غیرادبی تقسیم می‌شوند. سفرنامه‌های ادبی در بررسی‌های ادبی جایگاه ویژه‌ای دارند. در تعریف این نوع از سفرنامه باید گفت: آن بیان و تعبیری ادبی از لحظه برخورد فرهنگی و لحظه دیدار انسان با دنیای دیگری است که به خاطر حضور در مکان دیگری کاملاً بر آن سیطره دارد و قدرت نامحدودی در توصیف آن دنیا و درک و فهم آن دارد. در حقیقت سفرنامه در مفهوم رایج آن، «انتقال نظام اجتماعی و فرهنگی دیگر در ضمن انتقال به یک مکان جغرافیایی دیگر در یک برهه از زمان است» (هنري باجو، بی تا: ۴۹). براین اساس سفر و سفرنامه همچون دستی است که به سوی ملت‌ها و اقوام دور از هم که فرسنگ‌ها بینشان فاصله است؛ دراز می‌شود تا آن‌ها را به هم نزدیک کند (قنديل، ۲۰۰۲: ۲۲)؛ تا به شناخت هم دست پیدا کنند. همان‌طور که خداوند در قرآن نیز می‌فرماید: "يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ" (الحجرات: ۱۳)^۲. همچنین سفرنامه‌ها، در مقایسه با دیگر متون، منابع با ارزشی هستند که یک تصویر واقعی‌تر از پدیده‌های زندگی در یک مکان و ساکنان آن منعکس می‌کنند (حسین، ۱۹۸۳: ۶).

۱۲) شفیق جبری و فرهنگ غرب

شفیق بن درویش بن محمد جبری، شاعری سوری، ادیب و زبان‌شناس است که در دمشق به دنیا آمد. او در خانواده‌ای فرهنگی و ادبی بزرگ شد و پدرش به اهمیت آموزش و پرورش در زندگی‌اش واقف بود. به همین دلیل، او را به مدرسه لازاریست‌های فرانسه^۳ در دمشق فرستاد، جایی که نقش مهمی در شکل‌گیری شخصیت و عملکردهای ادبی او داشت. شفیق جبری در این مدرسه تا پایان دوره دبیرستان تحصیل کرد و در نتیجه به زبان فرانسه تسلط یافت. این تسلط نه تنها به او کمک کرد تا آثار ادبی فرانسوی را بهتر درک کند، بلکه به عنوان پلی میان فرهنگ‌های عربی و فرانسوی، موجب گسترش دیدگاه‌های او نسبت به ادبیات و زبان‌های مختلف شد. تسلط او بر زبان فرانسه به او اجازه داد تا در عرصه‌های ادبی و فرهنگی بین‌المللی حضوری توانمند داشته باشد و به عنوان یکی از چهره‌های برجسته ادبی سوریه شناخته شود.

در این مدرسه، علوم و فلسفه فرانسوی تدریس می‌شد و به همین دلیل، او به طور کامل بر این علوم و فلسفه‌ها مسلط شد. با این حال، تدریس زبان عربی در این مدارس به شدت ضعیف بود. به همین علت، او به توصیه یکی از دوستانش به مطالعه آثار کلاسیکی مانند کلیله و دمنه، دیوان متنبی و نیز کتاب‌های شیخ ابراهیم یازجی پرداخت. این تلاش‌ها به او کمک کرد تا زبان عربی را به خوبی یاد بگیرد. زمانی که فرانسویان مدرسه عالی ادبیات را تاسیس کردند؛ مدیریت او را به شفیق جبری سپردند. او مدیر این مدرسه بود و در آن تدریس می‌کرد. اما بعد از گذر چند سال، فرانسویان این مدرسه را تعطیل کردند و او به مطالعه و نویسندگی برای مجلات و روزنامه‌ها روی آورد. از اولین سفرهای

او می‌توان، سفر به یافا و اسکندریه در سال ۱۹۱۳ م اشاره کرد که به رشته تحریر در نیامده است (الجبوری، ۲۰۰۳، ۳: ۱۳۵ و الیسوعی، ۱۴۳۱ق، ۱: ۴۲۲-۴۲۱).

به اعتقاد شفیق جبری، بعد از کناره‌گیری از مدیریت، بهترین کاری که او انجام داده، سفر به اروپا بود که در سفرنامه "اروپاگردی بر روی صخره‌های سیسیل" آن را ماندگار کرد. او چهار سفر داشته که آن‌ها را به رشته تحریر درآورده است. اولین سفر او به اروپا در سال ۱۹۳۴ م بود. دومین سفر را در سال ۱۹۳۵ م به نجد و حجاز داشت و دو سفر هم به ایالت متحده آمریکا در اواخر سال ۱۹۳۵ م و اواخر سال ۱۹۵۶ م داشت (جبری، ۱۹۹۷: ۶). وی علاوه بر سفرنامه، آثاری را در زمینه ادبیات و شعر نیز از خود به جای گذاشته است. بیشتر موضوعات قصائد او در خصوص انقلاب و وطن است. او نهایتاً در ۱۹۸۰ م وفات یافت (الیسوعی، ۱۴۳۱ق، ۱: ۴۲۲).

شفیق جبری هر چیز قابل توجه و متفاوت در اروپا را در مقایسه با فرهنگ شرقی خود با دقت در سفرنامه‌اش توصیف می‌کند. در بین تصاویری که از غرب به چشم می‌خورد، برخی به دلیل تفاوت‌های چشمگیر با هویت شرقی او، به شدت در سفرنامه‌اش بارز می‌شوند و او با دقت به توصیف آن‌ها می‌پردازد. وی خود را با "دیگری" که با آن مواجه شده مقایسه کرده و نظراتش را درباره تفاوت‌های فرهنگی بیان می‌کند. افزون بر این، گاه در جایگاه یک منتقد، به نقد "دیگری" و حتی به نقد هویت خود نیز می‌پردازد. بنابراین، دیگری منعکس شده در این سفرنامه، از جهت موضوعات و زمینه‌های مهم فرهنگی از نظر شفیق جبری برای شناخت فرهنگ اروپا، نوع نگاه و تاثیرپذیری او از آن فرهنگ و نحوه مقایسه دیگری با من شرقی، مورد بررسی قرار می‌گیرد.

در نگاه شفیق جبری، غرب قبل از سفرش به آن‌جا و بر اساس شنیده‌هایش، جایی پر از عجایب و شگفتی‌ها بود؛ به گونه‌ای که در توصیف پاریس می‌گوید: «آن را جزو سرزمین‌های سندیادی تصور می‌کردم.» تصویر شکل گرفته‌اش از لندن نیز به عنوان شهری پر از وحشت و سکوت در ذهن او نقش بسته بود. او این تصویرهای اولیه را که ناشی از توصیفات افرادی بود که به اروپا سفر کرده بودند، در آغاز سفرهای خود به کشورهای اروپایی بیان می‌کند. یکی از عجایب اروپا در نظر شفیق جبری، خیابان‌های شلوغ پاریس است. او به‌طور خاص اشاره می‌کند که اگر بخواهی با ماشین از مکانی به مکان دیگر بروی، شخصی که پیاده است، زودتر به مقصد می‌رسد. همچنین، او در توصیف شب‌های پاریس می‌گوید که اگر بخواهد در خیابانی خلوت قدم بزند، احتمالاً مورد هجوم قرار می‌گیرد و به طعمه‌ای برای چاقوها تبدیل خواهد شد. این توصیف‌ها از پاریس و تصاویر منفی که در ذهنش شکل گرفته بودند، باعث شده بود تا او این تصور را داشته باشد که سفرش به این شهر ممکن است به پایان زندگی‌اش منجر شود. این احساسات و ترس‌ها، نشانه‌ای از چالش‌هایی بودند که او در مواجهه با فرهنگ و جامعه‌ای متفاوت به تصویر می‌کشد. (جبری، ۱۹۹۷: ۲۳). شفیق جبری نه تنها تصاویری از مناظر طبیعی و شهری را توصیف می‌کند، بلکه ابعاد انسانی و اجتماعی زندگی مردم اروپا را نیز بررسی کرده و از این طریق، درکی جامع از فرهنگ آن‌ها ارائه می‌دهد. از مهم‌ترین تصاویر فرهنگی که در سفرنامه او بیان شده، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱۲-۱) تصویر دین و اخلاقیات در غرب

ویژگی‌های اخلاقی و باورهای دینی حاکم بر فرهنگ غرب، یکی از مهم‌ترین تصاویری است که شفیق جبری در قسمت‌های مختلف سفرنامه‌اش به آن پرداخته است. او با دقت به توصیف این ویژگی‌ها می‌پردازد و نقاط قوت و ضعف

آنها را بررسی می‌کند. برخی از مصادیق این تصویر به وضوح در تضاد با هویت و باورهای شرقی او قرار دارد و این تضاد باعث می‌شود که او به تأمل و نقد درباره این ویژگی‌ها بپردازد. در عین حال، شفیق جبری به جنبه‌هایی از اخلاقیات و رفتارهای مردم غرب اشاره می‌کند که به دلیل نزدیکی به باورها و آداب و رسوم مردم شرق، برایش خوش آیند و قابل قبول است. این کنش دوگانه در او به نمایشگذار تنش‌ها و همسویی‌های فرهنگی میان شرق و غرب تبدیل می‌شود و به خواننده این امکان را می‌دهد که درک بهتری از پیچیدگی‌های انسانی و فرهنگی هر دو منطقه پیدا کند. بدین ترتیب، سفرنامه او نه تنها به عنوان یک سند تاریخی و فرهنگی بلکه به عنوان تحلیلی عمیق از تعاملات فرهنگی نیز مورد توجه قرار می‌گیرد. از بارزترین تصاویر اخلاق و باورهای دینی منعکس شده، موارد زیر است:

الف: غلبه روح مادی بر مردم و تمدن غرب و کاهش شدید روح معنویت در آنها، نخستین خصیصه‌ای است که شفیق جبری هنگام ورود به ماریسی، دومین شهر پرجمعیت فرانسه، مشاهده می‌کند. او به طور خاص بر نادیده گرفتن معنویات در زندگی روزمره مردم تأکید می‌کند و می‌بیند که توجه کامل آنها به مادیات و حتی جزئیات مادی زندگی، به طور کامل جایگزین ارزش‌های معنوی شده است. این تجربه او را به تأمل عمیق‌تری درباره تفاوت‌های فرهنگی و تأثیرات منفی حاکمیت مادیات بر روی انسان‌ها و جامعه‌ها وادار می‌کند: "ولئن لفت نظري فيها شيء فقد لفت هذا النظر إزدحام الناس على المادة من مخالطتك للحمالين تستطيع أن تدرك مقدار هجوم الغرب على المادة وتفنته في إستلابها، وحرصه عليها." (همان: ۲۴-۲۳).

روح مادی آن‌چنان بر فرانسه و مردمش غلبه کرده است که می‌توان تأثیر آن را به وضوح در بناهای مذهبی آن‌جا مشاهده کرد. مسجد پاریس^۴ که از بناهای مهم و معروف کشور فرانسه است در مقایسه با دیگر اماکن آن خلوت و پراز ترس و هراس است: "دخلنا الجامع من طريق اسمه بالفرنسية طريق (بئر الناسك)! وحقاً أن الذين جعلوا له مدخلاً من هذا الطريق أصحاب ذوق، لأن كلمة (بئر الناسك) لا تدل على شيء من الأناش والانبساط، إنما فيها كل الوحشة وفيها كل الإنقباض، ومنها كل الشؤم. فمند وطئت قدماي طريق بئر الناسك أخذتني الوحشة، وغلب عليّ الانقباض." (همان: ۲۹).

اخلاق مادی‌گرایانه و کم‌رنگ شدن معنویات، تصویری واضح از دین و اخلاق مردم غرب است. غلبه روح مادی بر مردم غرب جزء تصویرهای پرتکراری است که شفیق جبری، در بسیاری از قسمت‌های سفرنامه به آن اشاره می‌کند و معتقد است که در شهری مثل ژنو که پر از آرامش و زیبایی است، نگاه مادی مردم، تمام آن زیبایی را از بین می‌برد. از نظر او گرایش به مادیات در اکثر کشورهای غربی وجود دارد: "نزعة مادية في الشعب اللاتيني واحدة؛ لم تتغير لا في فرنسة ولا في جنيف ولا في إيطاليا" (همان: ۷۱).

در مقابل اخلاق مادی‌گرایانه مردم فرانسه، ژنو و ایتالیا، شفیق جبری در مواجهه با مردم انگلستان شاهد صفت بخشش و به دور بودن از مادیات آنهاست. او وجود این صفت را در میان آنها نشان بزرگی می‌داند و آنها را با مردم فرانسه مقایسه می‌کند: "ماذا تجد في هذا الفندق البسيط الذي نزلت فيه في «رسل سکوير»؟ إنهم لا يعدون لك الخبز عدداً، ولا يعدون لك الزبدة عدداً، كما يفعلون في باريز و إنما يطوفون عليك فإذا فرغ صحنك من الخبز جاؤوا بأضعافه، وإذا فرغ من الزبدة جاؤوا بأضعافها من تلقاء أنفسهم... وإذا فرغ صحنك من قطعة لحم جاؤوك بمثلها بالمجان، فلم يكلفوك الثمن" (همان: ۱۴۲).

ب: احترام به حقوق دیگران و خوش‌برخورد بودن: شفیق جبری بیان می‌کند که در اروپا با وجود غلبه بعد مادی بر زندگی مردم، رفتارها و اخلاقیاتی را از آن‌ها مشاهده می‌کنیم که بسیار باعث تعجب است. این رفتارها جزء رفتارهای طبیعی آن‌هاست و بسیار پسندیده بوده و همه جای شهر می‌توان آن‌ها را به وضوح مشاهده کرد. تشکر کردن در روابط روزمره، جزء عادات و خصوصیات جدا ناپذیر آن‌هاست و او این ادب را در شلوغ‌ترین اماکن مثل مترو، قطار و اتوبوس نیز شاهد است: "أما هذه الآداب فإنها تتجلى في ركوب المترو وفي ركوب الترام وفي ركوب السيارة العامة" (همان: ۶۳).

با وجود این که ادب امری شایع و طبیعی در بین مردم پاریس است، اما در کمال تعجب همه میوه‌فروشان در این شهر، کاملاً به دور از ادب هستند و این امر بی ارتباط به غلبه بعد مادی بر آن‌ها نیست. "طبقة واحدة فليأخذ المرء حذره منها في باريز وهي طبقة العنابات والفاكهائيات على الإطلاق. فإياك أن تمد يدك إلى فاكهة من هذه الفواكه على سبيل الخبرة. وإلا سمعت منهن أشياء لا تسر.... وتنقي العنب أو التفاح أو الإجاص أو الموز أو غير ذلك. وإنها تنتقي على ذوقها لا على ذوقك. ولكن ماذا تنتخب إنها تعرض العنب الجيد على عينيك وتخبىء من تحته العنب الرديء، فإذا رأيت العنب المعروض حسبت كله من هذا الجنس الفاخر، ولكنك سرعان ما تدهش إذا رأيت في الميزان عنباً من أردأ الأعناب. فخذ نصيبك وإياك أن تتكلم فإن هذه الطبقة جباة حديدة اللسان..." (همان: ۶۴).

ج: وجود نظم و دقت و آرامش در انجام کارها: او این ویژگی اخلاقی برجسته و با ارزش را در بین مردم انگلستان مشاهده می‌کند. او از لحظه‌ای که اقدام می‌کند گذرنامه خود را برای سفر به انگلستان در پاریس تمدید کند تا ورود به شهرهای مختلف این کشور، شاهد نظم و دقت در انجام کارها به خصوص از طرف کارمندان در حین انجام مسئولیت‌هاست و بارها در سفرنامه به آن اشاره می‌کند. برای نمونه او رفتار یک پلیس راهنمایی و رانندگی را به تصویر می‌کشد که وقتی دوستش استاد کیالی از او آدرس می‌پرسد، وی از روش‌های مختلفی استفاده می‌کند؛ تا آن‌ها را راهنمایی کند. او از هیچ تلاشی در این زمینه کوتاهی نمی‌کند (همان: ۱۳۱). او این نوع برخورد مردم انگلستان را نشانه‌ای از بزرگی آن‌ها می‌داند. در مقابل پلیس ایتالیایی را به تصویر می‌کشد که در شیف‌کاری خود، سیگار به دست است و انجام دقیق وظایف در بین آن‌ها مفهومی ندارد (همان: ۸۵).

د: سادگی در عین برخورداری از بزرگی و شکوه: شفیق جبری از لحظه ورود به انگلستان، بزرگی و شکوهی را در آن کشور و مردمش توصیف می‌کند که با سادگی آن‌ها در هم آمیخته شده است. او معتقد است این بزرگی و شکوه از سادگی آن‌ها نشأت می‌گیرد. از نظر او سادگی و عظمت با نام لندن در هم آمیخته شده و این مفاهیم را می‌توان در همه بخش‌ها و جوانب این شهر مشاهده کرد: "لا شك في أنها عظمة بسيطة، لأن البساطة والعظمة متلازمان فلا تجد البساطة إلا وجدت في جوانبها العظمة، فكل شيء في لندن بسيط، حتى هذا الفندق الذي نزلت فيه واسمه «برميه أوتيل» وحتى الخدمات الفتيات النظيفات اللواتي يخدمن فيه، وحتى هذه المآكل، ولكن ببساطة هذا الفندق والخدمات وهذه المآكل لا تخلو من مظاهر العظمة" (همان: ۱۳۰). او یکی دیگر از جلوه‌های بزرگی را در یک پلیس انگلیسی توصیف می‌کند که این ویژگی در او باعث ایجاد ابهت در نگاه دیگران و اطاعت از او می‌شود: "وما كادت عيني وأنا خارج من محطة «فكتوريا» تقع على الشرطي الواقف في مفترق الطرق حتى شعرت بهذه العظمة التي أشرت إليها، وإني لمضطر إلى تكرار هذه الكلمة وهي «العظمة» لأنها و«لندن» متلازمان، فالشرطي في «لندن» شيء خاص، وإن شئت فقل: علامة فارقة، فإنك

مضطر إلى إجلاله على الرغم منك، إِمَّا لهيئته، وإِمَّا لنظافته، وإِمَّا لهدوء أعصابه، وإِمَّا لأدبه وإِفراطه في هذا الأدب، هذه كلها خصائص الشرطي في «لندن» (همان: ۱۳۰).

در مقابل این بزرگی ناشی از سادگی، شفیق جبری شکوه و عظمت ساختمان‌ها و موزه‌های فرانسه و ایتالیا را به تصویر می‌کشد. او بیان می‌کند که این کشورها با ساخت این بناها در تلاشند تا در نظر ملت‌های دیگر خود را بزرگ‌تر از آنچه که هستند، نشان دهند و از این می‌ترسند که گذشته و دستاوردهایشان به فراموشی سپرده شود. شفیق جبری به بزرگ‌نمایی انتقاد می‌کند و معتقد است ملت‌های اصیل، نیازی به به نمایش گذاشتن بزرگی و عظمت خود در برابر دیگر ملت‌ها ندارند. او بر این باور است که ارزش‌ها و هویت یک ملت باید از درون و از طریق دستاوردهای واقعی و معنوی‌اش نمایان شود، نه از طریق ظواهر ساختگی و بزرگ‌نمایی‌های کاذب. این دیدگاه او به تأملی عمیق درباره ارزش‌های انسانی و فرهنگی می‌انجامد که فراتر از نمایش‌های ظاهری هستند.

۱۲-۲) تصویر آداب و رسوم مردم اروپا

عادات و شیوه زندگی مردم اروپا، از دیگر موضوعاتی است که شفیق جبری در بیان تصویر دیگری، در سفرنامه خود منعکس می‌کند. توجه به آداب و رسوم خاص یک ملت، به خوبی می‌تواند بیانگر ریشه‌های فرهنگی آن ملت باشد. از مهم‌ترین عادات و شیوه‌های زندگی که نویسنده، به توصیف آن‌ها می‌پردازد، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

الف: تمایل شدید مردم پاریس و ایتالیا به خوش‌گذرانی و تفریح: شلوغی قهوه‌خانه‌ها در شهر مarse فرانسه، یکی از خصوصیات اخلاقی و عاداتی است که بسیار باعث تعجب شفیق جبری می‌شود. بالا بودن سن کسانی که برای تفریح به قهوه‌خانه می‌آیند نشان می‌دهد که تفریح و سرگرمی در این کشور جزء عادات دیرینه و فرهنگ ثابت آن‌هاست و فقط بین جوانان و به تازگی رواج پیدا نکرده است. (جبری، ۱۹۹۷: ۲۴). مردم ایتالیا نیز بیشتر اوقات خود را در خوش‌گذرانی سپری می‌کنند و مشغول نوشیدن شراب و بازی و سرگرمی و قمار هستند (همان: ۸۸). در مقابل این نوع عادت رفتاری، او انگلیسی‌ها را انسان‌هایی متعادل معرفی می‌کند؛ که صبح مشغول کار و تلاش هستند و شب‌ها به خوش‌گذرانی و تفریح می‌پردازند (همان: ۱۳۶).

البته او در این تصویر از مردم انگلیس، نوعی تضاد می‌بیند. آن‌ها صبح به خاطر شرایط به نوعی ظاهر می‌شوند که خود واقعی آن‌ها نیست؛ اما در دل شب خود واقعی‌شان بروز می‌کند: "أرأيت أيها القاريء الكريم هذا الجدد في النهار وهذا الهدوء وهذا الوقار وهذه البساطة؟ أنها تنقلب في الليل إلى أضدادها، فالجدد ينقلب إلى عبث، والهدوء تنقلب إلى ضوضاء، والوقار ينقلب إلى خفة والبساطة تنقلب إلى غرابة الإنكليزي بعينه" (همان: ۱۳۶).

ب: تنوع طلبی در زندگی اروپایی: او از لحظه‌ای که وارد پاریس می‌شود، در همه جای این شهر، تنوع می‌بیند تا جایی که طبق توصیفاتش انگار هیچ صحنه و هیچ روزی در این شهر پر زرق و برق یکسان نیست و انسان هر لحظه با یک چیز جدید و ناشناخته مواجه می‌شود و این نشانگر داشتن اخلاق و روحیه تنوع طلب آن‌ها در زندگی است: "أمرٌ يشوارع عظيمة مثل «الشانز ليزية»^۷ وكانت أنوار هذه الشوارع المختلفة من نور أحمر إلى نور أخضر إلى نور أصفر، كانت هذه الأنوار الزاهية المنبسطة على المخازن تخفف شيئاً من الانقباض والوحشة، ثم لا ألبث أن أرجع إليهما... إن الحياة فيها لاتعرف الوحدة فلها ألوان مختلفة

غیر متشابه، ففی کل يوم صور جديدة في باريز، في كل مذهب من مذاهب الحياة، في سياستها وإجتماعها وأخلاقها، في جدّها وهزلها، في لهوها وعبثها، كل يوم حادث جديد، وكل يوم وجوه جديدة، وكل يوم طبيعة مختلفة" (همان: ۳۷).

وجود تنوع در پاریس، آن قدر نویسنده را تحت تاثیر خود قرار داده که به روش های مختلف و با جملاتی متنوع، به بیان این تنوع می پردازد. او یک بار دیگر این چنین به توصیف خیابان شانزه لیزه می پردازد: "البصر- فيه يزيغ، والقلب فيه يحار، والذهن فيه يدهش، من كل لون من ألوانه من رجاله ونسائه وسياراته ومقاهيه ومخازنه وأنواره" (همان: ۳۸).

ج: عمل گرا بودن یکی از نکات مهمی است که شفیق جبری بر اساس مشاهدات خود در انگلستان به آن اشاره می کند. او بیان می کند که با وجود بزرگی کتابخانه ها و تنوع زیاد کتاب ها، تعداد افرادی که در این کتابخانه ها مشغول مطالعه هستند، بسیار محدود است. اما این واقعیت به هیچ وجه نشان دهنده عدم توجه آن ها به یادگیری نیست. برعکس، این افراد بیشتر اهل تمرکز و تفکر در مورد مطالبی هستند که می خوانند. هرچند ممکن است میزان مطالعه آن ها کم باشد، اما مطالعه شان هدفمند و سودمند است. آن ها به جای انباشت کمیت مطالب، بر کیفیت و کاربرد اطلاعات تاکید دارند و هر آنچه را که مطالعه می کنند، در زندگی روزمره خود به کار می برند. این رویکرد عمل گرا به آنها کمک می کند تا مفاهیم یادگیری را به طور مؤثرتر درک کرده و به کار گیرند، و به همین دلیل، تأثیر بیشتری بر زندگی شان دارد. (همان: ۱۳۳).

وجود این نوع عادت در میان انگلیسی ها باعث شده که در زندگی موفق باشند و کتاب ها و مطالب و موضوعاتی را برای مطالعه انتخاب کنند که برایشان سودمند است و در زندگیشان کاربردی است: "الإنكليز لا يقرؤون الكتب النظرية بقدر ما يقرؤون الكتب العملية، وما أريد بالكتب العملية في هذا المقام إلا الطبيعة نفسها، فالإنكليز يقرؤون الطبيعة ويدرسونها، أي يقرؤون الحياة ذاتها" (همان: ۱۳۳).

۱۳) بررسی نوع ارتباط شفیق جبری با فرهنگ اروپا

شفیق جبری در مواجهه با فرهنگ اروپا و با مشاهده تفاوت های فرهنگی موجود بین من شرقی خود و دیگری غرب، برخوردها و واکنش های متفاوتی از خود نشان می دهد. گاهی فرهنگ شرق را برتر و گاهی غرب را از نظر فرهنگی در سطح بالا می بیند و این تفاوت سطح ارتباط فرهنگی بین کشورهای اروپایی با من شرقی او و گاهی در تفاوت بین کشورهای اروپایی در سفرنامه منعکس شده است.

۱۳-۱) جذب و تمایل به فرهنگ دیگری

وجود عادت ها و اخلاقی چون احترام به حقوق دیگران و تشکر کردن در فرهنگ مردم فرانسه، ژنو و انگلستان جزء مواردی است که نویسنده به علت قابل توجه بودن آنها و نبود آنها به آن اندازه در شرق، در سفرنامه به تصویر می کشد و بسیار نسبت به آن رفتار از خود تمایل نشان می دهد: "ولكني أتكلم عليها لأني لا أجد في بلادنا أمثالها، إلا في الندره. بالتزام في بلادنا على ركوب الترام، أو على شبابيك البريد، أو على قطع الأوراق في الملاهي، والتدافع في أمثال هذه المرافق كلها أمر مشهود. الكناسة في وجوه المارة والرش هذا لا مندوحة عنه...!" (جبری، ۱۹۹۷: ۶۳).

وجود نظم، دقت، آرامش و سادگی در تمام امور و جوانب زندگی در انگلستان، جزء مواردی است که تصویر بسیار زیبایی از مردم این کشور در ذهن خواننده ایجاد می کند و می توان گفت جزء مواردی است که بسیار نویسنده را

مجدوب خود می‌کند و او را به تصویر بزرگی و شکوه در کنار این مفاهیم می‌رساند: "فالإنكليزي عظيم في كل شيء، في صرفه المال، وفي بعض الأحيان في إسرافه على نفسه، لا بل على راحته، وفي كرمه" (همان: ۱۴۱). نویسنده در کنار مشاهده برخی اصول اخلاقی که نشانگر بزرگی و شکوه انگلستان است، شاهد برخی عاداتها در میان آنهاست که بسیار ستودنی است و او را جذب خود می‌کند و آن عمل گرا بودن انگلیس و دوری از ظواهر است که این ویژگی کاملاً با ویژگی ظاهرگرای مردم فرانسه و ایتالیا در تضاد است: "ولكنك إذا دفعت رجلين إلى الحياة، رجلاً إنكليزياً قرأ قليلاً وانتفع كثيراً بما قرأه، ورجلاً لاتينياً قرأ كثيراً وانتفع قليلاً بما قرأه، إذا دفعت هذين الرجلين إلى الحياة، فإنك تجد الإنكليزي أكثر نجاحاً في مذاهب الحياة وفي ضروب العمل" (همان: ۱۳۳).

۱۳-۲) ترس و وحشت از فرهنگ دیگری

تصویر تمایل مردم فرانسه و ایتالیا به مادیات در نگاه شفیق جبری، تصویری پر از ترس می‌سازد که کاملاً با من شرقی او در تضاد است. تشویق شرق از سوی غرب برای تمایل به اخلاقیات، تصویر پر از تزویر و ریا از مردم غرب در ذهن خواننده ایجاد می‌کند: "وكل هذه الأمور الخيالية التي يحشون بها أذهاننا في المدارس كرحمة الضعيف أو كالوفاء أو كالمودّة، كل هذا قد ضعف أثره في حضارتهم" (جبري، ۱۹۹۷: ۲۴).

مشاهده تاریکی و سکوت در مسجد پاریس، یکی از نمونه‌هایی است که بسیار در او وحشت به وجود می‌آورد. نوع معماری و چیدمان این مسجد که کاملاً شرقی است به نوعی این حس را در بیننده به وجود می‌آورد که شرق و معنویات در آن شبیه این مسجد ساکت و تاریک است: "كل شيء غريب في هذا المكان، كل شيء فيه شرقي، كل شيء فيه يدل على الانقياض وعلى الوحشة فهنا «بئر الناسك» هنا هذه البئر المتقبضة الموحشة المشؤومة!" (همان: ۳۰).

در کنار تمایل به مادیات، علاقه مردم فرانسه و ایتالیا به خوش گذرانی و تنوع طلبی در زندگی، از جمله مواردی است که بسیار توجه او را به خود جلب می‌کند. در نگاه اول، تصویر منعکس شده از این همه تنوع در عادات زندگی و استفاده از انواع رنگ‌ها در خیابان‌ها و شهرسازی، به نظر می‌رسد که نویسنده، مجذوب این نوع فرهنگ زندگی شده و به آن تمایل دارد. اما بعد از تمام این توصیفات به وضوح وحشت خود را به تصویر می‌کشد و سکوت و یک‌رنگی شرق را بر آن همه زیبایی و رنگ ترجیح می‌دهد. او علت این احساس را برخورد نامناسب غرب با شرق بیان می‌کند.

شفیق جبری، فلسفه عدم انس شرق با غرب را از زبان یک راننده به خوبی به تصویر می‌کشد و بیان می‌کند که رفتار تحقیرآمیز آن‌ها با شرق که پیشینه تمدنی و فرهنگی غنی دارند؛ علت دوری شرق از غرب است؛ و هرگز به آن انس نمی‌گیرد: "هو يريد بذلك سكوت أهل الجزائر عن حالهم، ثم أفاض في الكلام فقال: حاربنا مع الفرنسيين مرتين ولكننا حاربنا معهم بالسيف أي كنا مكرهين على الحرب، ولقد حاربنا الترك، والآن انظر كيف يعاملوننا، إنهم يعاملوننا مثل الكلاب!" (همان: ۳۹).

از نظر شفیق جبری، این همه رنگ و تنوع به نوعی با اخلاقی پر از تظاهر در فرهنگ غربی ارتباط دارد که برای او به عنوان یک فرد شرقی بیگانه و ناآشنا به نظر می‌رسد. به همین دلیل، او بیشتر اوقات آسمان آن‌جا را مملو از تاریکی و تیرگی می‌بیند. هر زمان که نویسنده با طبیعت بکر و زیبای اروپا مواجه می‌شود، به یاد شرق و یک‌رنگی آن می‌افتد. او آرامش حاکم بر پارک لوکزامبورگ را که لحظاتی او را از زندگی شلوغ و چندرنگی پاریس دور می‌کند، به گونه‌ای

می‌بیند که ناخودآگاه او را به خاطرات شرق و آرامش‌های آن‌جا متصل می‌سازد. این تضاد بین شلوغی و رنگینی زندگی غربی و آرامش و سادگی شرق در ذهن او به وضوح نمایان است: "وبعد أن طفت بالحديقة انتخبت لي مقعداً، فجلست والسماء صافية ولكن فيها لطخاً من السحاب، والنسيم عليل ولكن معه قليلاً من البرد، جلست مجلساً والشمس أمامي تغرب، وبركة الحديقة تموج، ففي رؤية الشمس وفي رؤية البركة ذكرى الشرق بأجمعه، وكنت أراقب البركة وأملأ أذني من موسيقى موجها، لأنها ذكرى البلاد التي من أفقها خرجت" (همان: ۴۰).

او حتی شکوه و عظمت موزه‌ها در فرانسه و ایتالیا را به نوعی با تظاهر و نقاب‌های غیر واقعی مردم آنجا مرتبط می‌داند، به گونه‌ای که این مکان‌ها تلاش می‌کنند خود را در نگاه جهانیان بزرگ و معتبر جلوه دهند. در مقابل، مردم انگلستان قرار دارند که به ورثه بزرگی و تاریخ خود بر می‌گردند و نیازی به این گونه تظاهرها ندارند. از دیگر تصاویری که حس ترس و تعجب او را از فرهنگ دیگر برمی‌انگیزد، تغییر رفتار و روحیه مردم انگلیس در شب است. به گفته او، در شب همه چیز دگرگون می‌شود و این افراد به گونه‌ای کاملاً متفاوت و ضد تصویر آرام و منظم خود رفتار می‌کنند. در تاریکی شب، دیگر خبری از آن انسان انگلیسی کامل و اجتماعی نیست. نویسنده آن‌قدر از این تناقض در رفتار آن‌ها متعجب می‌شود که خود را ناتوان از توصیف شرایط و تغییرات آن‌ها احساس می‌کند. این تفاوت‌ها به او نشان می‌دهد که هر فرهنگی دارای لایه‌های پنهانی است که گاه در تضاد با تصورات اولیه ما قرار می‌گیرد: "فمن رأيت في هذه الأماكن؟ وما رأيت؟ إني لعاجز عن وصف ما رأيت. إني خجل من أن أناقض نفسي- في الذي وصفته، ولكن ما علي أن أقول ما رأيت" (همان: ۱۳۶).

۱۳-۳) محبت و سازگاری با فرهنگ "دیگری"

در مقابل فرهنگ مادی فرانسه و ایتالیا، شفیق جبری شاهد فرهنگ بخشش و نوع دوستی در میان انگلیسی‌هاست که برای او بسیار آشنا و مانوس‌تر به نظر می‌رسد و با هویت شرقی‌اش ارتباط نزدیکی دارد. هرچند ممکن است مظاهر این فرهنگ‌ها تفاوت‌هایی با یکدیگر داشته باشند، اما او این فرهنگ غالب در فرانسه را با فرهنگ مردم انگلیس مقایسه می‌کند و به این نتیجه می‌رسد که انگلستان دارای مردمی بخشنده است. به اعتقاد او، در انگلستان، مادیات برخلاف فرانسه، اولویت نخست را ندارد و مردم بیشتر بر ارزش‌های انسانی و ارتباطات اجتماعی تمرکز دارند. این تفاوت در رویکرد فرهنگی به شفیق جبری این امکان را می‌دهد که به عمق احساسات و رفتارهای مردم هر دو کشور پی ببرد و از لایه‌های مختلف فرهنگ‌ها آگاهی یابد: "في باريز إنهم يعطونك كل شيء بضمن، ويقتررون عليك تقثيراً وهنا [لندن] يظهر لك الفرق بين العنصرين، بين الإنكليز وبين الفرنسيين" (جبری، ۱۹۹۷: ۱۴۲).

۱۴) نتیجه‌گیری

از میان مفاهیم مختلفی که فرهنگ را شکل می‌دهند، دین و اخلاقیات و همچنین شیوع برخی عادات و آداب و رسوم در میان مردم غرب، بیش از سایر عناصر فرهنگی، توجه شفیق جبری را جلب می‌کند. تصویر کم‌رنگ بودن دین و تمایل به مادیات، که با روحیه تنوع‌طلبی مردم فرانسه و ایتالیا نیز مرتبط است، بیشترین تصویر منعکس شده از آن‌ها در بخش‌های مختلف سفرنامه است. هر توصیفی که نویسنده از آن‌ها ارائه می‌دهد، به نحوی به این ویژگی‌ها مرتبط است و این نکته را روشن می‌سازد که چگونه بعد مادی زندگی و تنوع‌طلبی در فرهنگ آن‌ها نقش بسزایی دارد و تمام تصاویر ارائه شده از

آنها را تحت تأثیر قرار می‌دهد. در مقابل، تصویر فرهنگ و شیوه زندگی مردم انگلیس، طبق توصیفات شفیق جبری، تصویری از بزرگی و شکوه را در ذهن خواننده ایجاد می‌کند. واژگان "بزرگی" و "شکوه" از اصطلاحاتی هستند که نویسنده در بیشتر توصیف‌هایش از مردم انگلیس، کشور و فرهنگ آنها به کار می‌برد و این امر نشان‌دهنده ارزش و احترام او به این فرهنگ است. نوع ارتباط و تأثیری که شفیق جبری از فرهنگ کشورهای اروپایی دریافت می‌کند، به‌وضوح با یکدیگر متفاوت است. او از فرهنگ مردم فرانسه و ایتالیا احساس ترس و وحشت بیشتری دارد که بر دیگر احساساتش غلبه می‌کند. دلیل اصلی این احساس را او در تفاوت‌های مشهود در فرهنگ و نوع زندگی آنها با فرهنگ شرقی می‌بیند. در مواجهه با فرهنگ انگلستان، اما این وضعیت تغییر می‌کند؛ او احساس تمایل و جاذبه‌ای نسبت به آن کشور پیدا می‌کند و وجود اخلاق بخشش و نوع دوستی در میان مردم آنجا را می‌ستاید. شفیق جبری در این زمینه رابطه‌ای سازگار میان فرهنگ خود و فرهنگ مردم انگلستان برقرار می‌کند و به نکته‌ای ارزشمند درباره هم‌سویی این دو فرهنگ اشاره می‌کند. این تضاد در احساساتی که با مشاهده فرهنگ غرب به‌دست می‌آورد و مقایسه آن با فرهنگ شرق، نشان‌دهنده این است که او هرگز من شرقی خود را فراموش نکرده و مایه آرامش‌اش را در همان شرقی بودن می‌بیند. او سفر خود را با احساسی مشابه با آغاز سفر به پایان می‌رساند: احساسی از تنهایی و عدم انس به فرهنگ غرب، که به‌خوبی نشان‌دهنده چالش‌ها و کشمکشی است که در طی این سفر در درونش تجربه کرده است.

پی‌نوشت‌ها

- ^۱ شرق‌شناسی معروف‌ترین اثر سعید ادوارد می‌باشد که در آن با نگاهی انتقادی به بررسی چهارچوب فکری مستشرقان غربی در خصوص جهان اسلام می‌پردازد.
- ^۲ ای مردم! ما شما را از یک مرد و زن آفریدیم و ملت‌ها و قبیله‌ها قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید. بی تردید گرمی‌ترین شما نزد خدا پرهیزکارترین شماست. یقیناً خدا دانا و آگاه است.
- ^۳ لازاریست‌ها (که ویسنتیان نیز نامیده می‌شوند) یک فرقه رهبانی کاتولیک هستند که در سال ۱۶۲۵ پس از میلاد توسط سنت وینسنت دو پل در پاریس تأسیس شد و اساساً به آموزش و پرورش توجه دارند.
- ^۴ مسجد بزرگ پاریس (به فرانسوی: Grande Mosquee de Paris) مسجدی در شهر پاریس است؛ که بعد از جنگ جهانی اول جهت قدردانی از مسلمانان که علیه آلمان‌ها جنگیده بودند بنا نهاده شد.
- ^۵ خیابان شانزه لیزه (به فرانسوی: Champs-Élysées) یکی از زیباترین و شناخته‌شده‌ترین خیابان‌های پاریس است که ۱.۹ کیلومتر طول دارد و در امتداد شرق تا غرب پاریس و در شمال رود سن قرار گرفته است.
- ^۶ ایستگاه ویکتوریا (به انگلیسی: London Victoria Station) یکی از ایستگاه‌های راه‌آهن اصلی در شهر لندن است که به مترو لندن نیز متصل می‌شود.
- ^۷ خیابان شانزه لیزه (به فرانسوی: Champs-Élysées) یکی از زیباترین و شناخته‌شده‌ترین خیابان‌های پاریس است که ۱.۹ کیلومتر طول دارد و در امتداد شرق تا غرب پاریس و در شمال رود سن قرار گرفته است.

منابع و مآخذ

قرآن کریم

- جبری، شفیق (۱۹۹۷). *رحلة إلى أوروبا على صُحُور صِقْلِيَّة*؛ بیروت- لبنان: دار قتیبة.
- الجبوري، کامل سلمان (۲۰۰۳). *معجم الأدباء من العصر الجاهلي حتى سنة ۲۰۰۲ م*؛ بیروت- لبنان: دار الکتب العلمیة.
- الحربی، صالح بن عوید (۱۴۴۱ ق). «دراسات صورة الآخر في الأدب العربي و أثر إدوارد سعيد (دراسة مقارنة)»؛ *مجلة جامعة طيبة للآداب و العلوم/الإنسانية*، (صص ۱۹۸-۱۵۳).
- حسین، حسنی محمود (۱۹۸۳). *أدب الرحلة عند العرب*؛ بیروت- لبنان: دار الأندلس.

- خضری، سید محمدرضا (۱۳۹۴ ش). *الآخر في الأدب العباسي*؛ تهران: آوای نور.
- الداهي، محمد (۲۰۱۳). *صورة الأنا والآخر في السرد؛ القاهرة: رؤية*.
- الرباعي، عبدالقادر (۲۰۰۷). *تحولات النقد الثقافي؛ عمان: دار جرير*.
- سالم المروط، بلال (۲۰۰۸). «صورة الآخر في أدب الرحلات الأندلسية»، رسالة ماجستير، بإشراف: د. فايز القيسي، جامعة مؤتة.
- سعيد، ادوارد (۱۳۹۰ ش). *شرق شناسی؛ مترجم: لطفعلی خنجی، تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر*.
- شرایطه، إبراهيم (۲۰۱۸). «سلطان الأنا وصورة الآخر في رحلة ابن جبر»، *مجلة الأثر*، كلية الآداب و اللغات: جامعة قاصدي مرباح ورقلة، الجزائر. العدد ۳۰، صص ۲۴۸-۲۴۱.
- قندیل، فؤاد (۲۰۰۲). *أدب الرحلة في التراث العربي؛ القاهرة: مكتبة الدار العربية للكتاب*.
- کامبل الیسوعی، الأب روبرت ب (۱۴۳۱ ق). *أعلام الأدب العربي المعاصر؛ سیر و سیر ذاتیة؛ قم: ذوي القربى*.
- محمودی، معصومه (۱۳۹۳ ش). «گفتان و تصویر "دیگری" در سفرنامه ناصر خسرو»، *فصلنامه برنامه‌ریزی و توسعه گردشگری*، دوره ۳، شماره ۱۱، صص ۱۶۰-۱۷۸.
- میرزایی، حسین و پروین، امین (۱۳۸۹ ش). «نمایش دیگری: جایگاه غرب در سفرنامه‌های دوره ظهور مشروطیت»، *مجله تحقیقات فرهنگی ایران*، شماره ۹، صص ۷۷-۱۰۵.
- نظری منظم، هادی؛ پروینی، خلیل و هدایتی، نازنین (۱۳۹۷ ش). «صورة الآخر الشرقي في أدب الرحلات لغادة السمان» *کتاب شهوة الأجنحة نموذجاً*، *کاووش نامه ادبیات تطبیقی*، دوره ۸، شماره ۳۹، صص ۱۸۴-۱۶۵.
- هال، استوارت (۱۳۸۶ ش). *غرب و بقیه: گفتان و قدرت؛ مترجم: محمود متحد، تهران: آگه*.
- هنری باجو، دانیل (د.تا). *الأدب العام والمقارن؛ مترجم: غسان السيد، دمشق: اتحاد الكتاب العرب*.

References

The Holy Quran

- Al-Dahi, M (2013), *The image of the self and the other in narrative*; Cairo: Ruyat.[In Arabic]
- Al-Harbi, S (2019), "Studies on the Image of the Other in Arabic Literature and the Impact of Edward Said (Comparative Study)"; *Taibah University Journal of Arts and Human Sciences*, (pp. 153-198).
- Al-Jubouri, K (2003), *Dictionary of Writers from the Pre-Islamic Era until 2002 AD*; Beirut-Lebanon: Dar Al-Kutub Al-Ilmiyyah.[In Arabic]
- Al-Rubai, A (2007), *Transformations of Cultural Criticism*; Amman: Dar Jarir.[In Arabic]
- Campbell A , Alab Robert B (2009), *figures of contemporary Arabic literature; Biographies and autobiographies*; Qom: relatives.[In Arabic]
- Hall, S (2006), *The West and the rest: discourse and power*; Translator: Mahmoud Thahid, Tehran: Age.[In Persian]
- Henry Bajo, D (n.d), *Al-Adab and al-Maqarn*; Translator: Ghassan Al-Sayed, Damascus: Ittihad al-Kitab al-Arab.[In Arabic]
- Hosseini, M (1983), *Travel Literature among the Arabs*; Beirut-Lebanon: Dar Al-Andalus.[In Persian]
- Jabri, Sh (1997), *A Journey to Europe on the Rocks of Sicily*; Beirut - Lebanon: Dar Qutaiba.[In Arabic]
- Khezri, M (2015), *the other in Abbasid literature*; Tehran: Away Nour.[In Arabic]
- Mahmoudi, Masoumeh (2014). *Essay on Discourse and Image of the "Other" in Naser Khosrow's Travelogue, Tourism Planning and Development*, Volume ۳, Number ۱۱, (pp. 160-178) [In Persian]
- Mirzaei, Hossein and Parvin Amin (2010). *Another Show: The Place of the West in Travelogues of the Rise of Constitutionalism*, *Iranian Cultural Research*, Number 9, (pp. 77-105)[In Persian]

- Nazari monazam, Hadi, Khalil Parvini and Nazanin Hedayati (2017). the image of Al-Akhr al-Sharqi in the literature of Al-Thareq by Laghada Al-Saman, "The Book of Desire of the Wings" Exploration of comparative literature, Volume 8, Number 39, (pp. 165-184).[In Arabic]
- Qandil, F (2002), Travel Literature in Arab Heritage; Cairo: Arab House Library.[In Arabic]
- Said, E (2011), East Chennai; Translated by: Lotfali Khonji, Tehran: Amirkabir Publishing House.[In Persian]
- Salem Al Harout, Bilal (2008). Dissertation on the image of the afterlife in Andalusian travel literature; Supervised by: Dr. Fayez Al-Qaisi, Mu'ta community .[In Arabic]
- Sharayta, Ibrahim (2018). The Sultan of the Ego and the Image of the Other in Ibn Jubayr's Journey, Al-Asar Journal, , Faculty of Arts and Languages, University of Kasdi Merbah, Ouargla: Algeria, Number 30, (pp. 241-248).[In Arabic].

